

فهرست مطالب

مقدمه	۷
معادله زمان درس خواندن.....	۸
نگاهی به کتاب.....	۱۰
گام ۱: توجه بهتر در کلاس	۱۳
به سیستم بیش از حد فشار نیاورید.....	۱۴
جلو بنشینید و حاضر باشید.....	۱۶
آماده سر کلاس بروید.....	۱۷
کمک گرفتن از استاد به روش مناسب.....	۱۸
در کلاس، دست خود را روی کاغذ حرکت دهید.....	۲۱
گام ۲: نوشتن بهتر جزوه‌ها	۲۳
پنج روش خوب برای جزوه‌نوشتن.....	۲۴
روش کرنل.....	۲۵
دفتر کاغذی و لپ‌تاپ.....	۳۰
گام ۳: استفاده بهتر از کتاب درسی	۳۳
همه مطالب داده شده را نخوانید.....	۳۴
بدانید که چه چیزی به شما داده شده است.....	۳۶
کتاب را مانند روزنامه نخوانید.....	۳۷
پنج استراتژی مطالعه فعال.....	۳۸
خلاصه کردن چیزی که خوانده‌اید.....	۴۳
گام ۴: مانند یک ژنرال برنامه‌ریزی کنید	۴۷
حالت برنامه‌ریزی و حالت روباتی.....	۴۸
کل تحصیل خود را برنامه‌ریزی کنید.....	۴۹
هفته خود را از آخر هفته قبلی برنامه‌ریزی کنید.....	۵۱
نوع وظایف.....	۵۲
یک برنامه روزانه درست کنید.....	۵۳
از بخش‌های زمانی استفاده کنید.....	۵۶

نسبت فاج خود را بدانید ۵۷
از روش کاپیتان آمریکا برای شکستن پروژه‌ها استفاده کنید ۶۰

گام ۵: ساختن یک محیط مناسب درس خواندن ۶۵

مکان درس خواندن ۶۶
موسیقی هنگام درس خواندن ۶۸
محدود کردن حواس پرتی‌های دنیای واقعی ۷۱
محدود کردن حواس پرتی‌های مبتنی بر تکنولوژی ۷۳

گام ۶: با آنتروپی بجنگید و مرتب باشید ۷۹

فایل‌های خود را همین الان مرتب و سازماندهی کنید ۸۰
ساختن یک سیستم ثبت سریع ۸۳
پیدا کردن مغز دوم ۸۵
از یک ابزار مدیریت وظایف استفاده کنید ۸۷
مبارزه با آنتروپی ۸۹

گام ۷: شکست دادن تنبلی ۹۱

غلبه روی "حس خوبی درباره اش ندارم" ۹۲
معادله تنبلی ۹۴
ساختن عادت‌هایی قدرتمند ۹۶
از تفریحات بی ارزش دوری کنید ۹۸
استفاده از تکنیک پومودورو ۹۹
وقتی روش‌های دیگر جواب نداد، درد را به میان بیاورید ۱۰۰

گام ۸: درس خواندن هوشمندانه‌تر ۱۰۳

شبیه‌سازی شرایط امتحان ۱۰۴
تاکید روی یادگیری فعال ۱۰۷
استفاده از تکنیک تکرار با فاصله ۱۰۷
خواندن ریاضی و درس‌های مشابه ۱۰۹

گام ۹: نوشتن تحقیق‌های بهتر ۱۱۵

ذهن خود را خالی کنید ۱۱۶
یک تمرکز و یک سری سوال بنویسید ۱۱۷
انجام بهتر تحقیق ۱۱۸
نوشتن یک چک‌نویس اولیه افتضاح ۱۲۰
با قساوت قلب و پیرایش کنید ۱۲۲

ده گام برای به دست آوردن بهترین نمرات □ ۵

گام ۱۰ : استفاده بهتر از پروژه‌های گروهی..... ۱۲۷

۱۲۹ استفاده مناسب از اولین جلسه

۱۳۰ از اثر کنار ایستادن دوری کنید

۱۳۲ محلول‌ها و ترکیبات

۱۳۳ استفاده از ابزارهای مناسب برای عملکرد بهتر

۱۳۴ اپلیکیشن SLACK

۱۳۵ اپلیکیشن‌های GOOGLE DOCS

۱۳۷ اکنون باید چه کار کرد

مقدمه



روی جلد این کتاب یک عکس بز گذاشتم تا شروع این مقدمه راحت‌تر باشد، به علاوه به نظرم واقعا بزها بامزه هم هستند.

در هر صورت، بزها واقعا باهوش هستند و اگر به مقدار کافی سروصدا کردن را کنار بگذارند تا درباره مدرسه بزها فکر کنند، احتمالا نمرات فوق‌العاده‌ای هم می‌گرفتند.

خوب فعلا بحث درباره نمرات بزها را کنار بگذاریم چون این کتاب قرار است به شما کمک کند تا نمرات خود را بهتر کنید.

اما قبل از شروع باید مواردی را گوشزد کنم:

من این اعتقاد را دارم که برای اغلب دانشجویان نیازی به کامل و عالی بودن نیست. خود شما نیز بعد از تعیین اهداف، متوجه می‌شوید که درس خواندن و تکالیف شما، قطار جادویی به سمت هوگوارتز^۱ نیستند که شما را به آن برسانند بلکه تنها روش‌هایی برای کمک کردن به شما هستند و به تنهایی کافی نیستند. اما تمرکز روی نمرات خوب نیازمند به دست آوردن مهارت‌هایی خارج از کلاس، ساختن چیزهای مختلف، انجام تکالیف بیشتر از مقدار تعیین شده، ایجاد رابطه و -بله- زمان گذاشتن برای تفریح است حتی اگر تنها ده دقیقه از بازی شبیه‌ساز بز باشد! (نگران نباشید، این آخرین جوک مربوط به بز است!)

این کتاب قرار است راهکارهایی برای به دست آوردن نمرات بهتر به شما بدهد، اما هدف مهم دیگر آن (شاید به همان اهمیت به دست آوردن نمرات بهتر) کاهش زمان درس خواندن است. هدف من این است که ابزارها و تاکتیک‌های عالی در اختیار شما قرار دهم تا در زمان کمتر، عملکرد بهتری داشته باشید. برای این که بتوانم موضوع را بهتر توضیح دهم، معادله کوچکی ساخته‌ام.

معادله زمان درس خواندن

زمانی از خودم پرسیدم که چه عواملی بیشترین تاثیر را در نمره دارند؟ از نظر

^۱ مدرس جادوگری هری پاتر

ده گام برای به دست آوردن بهترین نمرات □ ۹

من، بهترین روش برای نگاه کردن به این موضوع این است که هدف نهایی خود را به عنوان پاداش قابل لمس (نمره) در نظر بگیرید بلکه هدف خود را به این تبدیل کنید که می‌خواهید در وضعیتی قرار بگیرید که می‌خواستید.

من این را به عنوان آمادگی مطلوب تعریف می‌کنم و روی هر کلاسی که در آن هستید یا بهتر بگویم، روی هر پروژه، امتحان و تکلیفی که باید انجام دهید قابل اعمال است.

نمره تنها یک نتیجه است که می‌توانید از آن برای تعیین مقدار آمادگی مطلوب خود استفاده کنید. وقتی این هدف را تعیین کردید، چهار عامل هستند که برای رسیدن به آن اهمیت پیدا می‌کنند:

۱ زمان کلاس

۲ کارایی یادگیری

۳ زمان مطالعه و درس خواندن

۴ بهینه بودن درس خواندن

با در نظر گرفتن این عامل‌ها، فرم اصلی این معادله به صورت زیر است:

$$\text{آمادگی مطلوب} = (\text{کارایی مطالعه} \times \text{زمان مطالعه}) + (\text{کیفیت یادگیری} \times \text{زمان کلاس})$$

خیلی ساده بود؟ اکنون باید مقداری از جبر استفاده کنیم تا این معادله را برای زمان مطالعه حل کنیم:

$$\text{زمان مطالعه} = \frac{\text{آمادگی مطلوب} - (\text{کیفیت یادگیری} \times \text{زمان کلاس})}{\text{کارایی مطالعه}}$$

پس برای کاهش زمان مطالعه و درس خواندن، کافی است کارایی مطالعه و (زمان کلاس $\times$ کیفیت یادگیری) را افزایش دهید.

اگر فرض کنیم که در تمام کلاس‌های خود شرکت می‌کنید، متغیر زمان کلاس ثابت می‌شود و به صورت مشابه اگر یک مقدار مشخص برای آمادگی مطلوب خود نیز تعیین کرده‌اید، این متغیر نیز به یک ثابت در معادله تبدیل می‌شود.

پس دو متغیر برای ما می‌ماند: کیفیت یادگیری و کارایی مطالعه. برای کاهش مقدار زمانی که باید صرف درس خواندن و مطالعه کنید، باید یکی از این دو متغیر را افزایش دهید یا اگر توانستید، هر دو را افزایش دهید.

نگاهی به کتاب

بقیه کتاب حاوی استراتژی‌ها و تاکتیک‌هایی برای رسیدن به هدف‌تان است که من آن را به ده گام تقسیم کرده‌ام که هر کدام به یک زمینه مهارت متفاوت می‌پردازد:

- ✓ داشتن توجه و تمرکز بهتر در کلاس
- ✓ جزوه برداری بهتر
- ✓ استفاده بهتر از کتاب درسی
- ✓ برنامه‌ریزی خوب و کاربردی
- ✓ ایجاد یک محیط درس خواندن مناسب
- ✓ مرتب و منضبط ماندن
- ✓ غلبه بر تنبلی و عقب انداختن کارها
- ✓ مطالعه و درس خواندن هوشمندانه‌تر
- ✓ نوشتن تحقیق‌های بهتر
- ✓ انجام بهتر پروژه‌های گروهی

من آن‌ها را ۱۰ گام نامیدم اما در حقیقت می‌توانید آن‌ها را با هر ترتیبی انجام دهید و مثل یک بازی کامپیوتری دنیای باز^۲ در نظر بگیرید که مراحل آن را می‌توان با هر ترتیبی بازی کرد و با به دست آوردن قدرت‌ها و سلاح‌های جدید هر مرحله، بعد از انجام هر گام این کتاب نیز قدرتمندتر می‌شوید.

بنابراین مهم نیست کار را با کدام یک از این مراحل شروع می‌کنید. به خصوص

^۲ بازی‌های کامپیوتری که در آن‌ها می‌توانید خودتان دنیای بازی‌ها را بگردید و مراحل را انتخاب کنید.

ده گام برای به دست آوردن بهترین نمرات □ ۱۱

اگر در یک زمینه خاص مشکل دارید، بهتر است اول به سراغ آن قسمت بروید و نکات درون آن را پیاده کنید و سپس به سراغ بقیه موارد بروید.

کلمات موسس CD Baby یعنی درک سیورز^۲ کاملاً مناسب اکنون هستند:

"ایده‌ها تنها ضریبی در اجرا هستند."

چیزی را در صفر ضرب کنید تا ... صفر به دست بیاورید. یعنی اگر تنها یک گام از کتاب را بخوانید و آن را به عمل تبدیل کنید به مراتب بهتر از خواندن کل کتاب و انجام ندادن کاری است.

با در نظر گرفتن این نکته، بیایید کار را شروع کنیم و اولین قدم را برداریم.

توجه بهتر در کلاس

SUCCESS



به دلیل این که پارامتر زمان کلاس را به عنوان یک ثابت در نظر گرفتیم، منطقی است که ابتدا کیفیت یادگیری را به عنوان اولویت اول قرار دهیم. هرچه بیشتر در زمان کلاس و حضور استاد یاد بگیرید، بعداً برای افزایش عملکرد درس خواندن کار کمتری لازم است. اما اگر وقت خود را تلف بازی کردن با دوستان کنید، مسلماً عملکرد درس خواندن شما بعد از کلاس خیلی افت می‌کند.

اولین گام برای افزایش کیفیت یادگیری کاملاً ساده است: سرکلاس، توجه بیشتری داشته باشید.

این یکی از همان توصیه‌های معروفی است که "انجامش خیلی سخت‌تر از گفتنش است به خصوص که ترم طولانی است و هرچه از ترم می‌گذرد کلاس‌ها شما را خسته می‌کنند و انگیزه‌تان کم می‌شود. با این حال این استراتژی‌ها به شما کمک می‌کنند تا در این طوفان راه نجاتی پیدا کنید.

به سیستم بیش از حد فشار نیاورید

زمان دانشجویی استادی با یک شخصیت خاص داشتم که به غیر از ستایش گوگل آن هم دوبار در هفته و فرستادن دانشجویان به ماموریت‌های غیرعادی برای عکاسی در مکان‌های عجیب و غریب (مثل کارخانه‌های تولید چیپ اینتل)، همیشه کلاس را با این جمله به پایان می‌برد:

"به سیستم بیش از حد فشار نیاورید!"

منظور او از سیستم، مغز ما بود، اما می‌خواهم آن را یک مرحله جلوتر ببرم و آن را به عنوان بدن شما در نظر بگیرم.

الیوت هاسل^۱، مربی بدنسازی که کانال یوتیوب او بیش از ۱ میلیون عضو دارد، فلسفه کلیدی دارد که می‌گوید، بدن شما، ذهن شما است.

ذهن شما همه کارهای لازم برای به دست آوردن نمرات فوق‌العاده را انجام می‌دهد و در عین حال عملکرد آن وابسته به بدن شما است. الیوت این را به این صورت

می‌گوید:

"مهم‌ترین بخش بازی، بخش بازی شما است!"

من هر وقت به کتاب فروشی می‌روم و نگاهی به بخش کتاب‌های دانشگاهی می‌اندازم، تقریباً همیشه می‌بینم که کتاب‌های موفق به گونه‌ای و در جایی به اهمیت سلامت اشاره کرده‌اند...

... اما باز هم تکرار می‌کنم، چرا؟

حقیقت این است که اغلب ما از بچه‌هایی که به کلاس کاراته می‌رفتند و می‌خواستند ضربات گردبادی را یاد بگیرند، خوشمان می‌آمد و همیشه ترفندها، هک‌ها و تاکتیک‌هایی را می‌خواستیم که زندگی ما را بهتر کنند.

با این حال، اگر به دلیل تغذیه بد، نداشتن خواب مناسب و عدم فعالیت بدنی کافی، همیشه دچار مشکلات سلامتی باشید، همه ترفندها و هک‌های کوچک ذهن و مطالعه دنیا نمی‌توانند به شما کمک کنند.

برای درک بهتر، دو نینجا را در نظر بگیرید: یکی بدنش را در بهترین فرم نگه می‌دارد و هر روز در حال تمرین است و در عین حال استادش خیلی سخت گیر است و تنها به او اجازه می‌دهد تا با دست خالی نبرد کند.

اما نینجای دیگر، عملاً نینجا نیست بلکه یک شخصیت انیمه^۲ است که به تکرار کردن جملات ناروتو^۳ و نگه داشتن یک کاتانای^۴ ۵,۰۰۰ دلاری معتاد است که پدر پولدارش برایش خریده است.

به نظرتان در مبارزه کدامشان برنده می‌شود؟

همه این حرف‌ها راهی بود برای قانع کردن شما به این که سلامت خود را به اولویت شماره ۱ تبدیل کنید. بنابراین باید درباره موارد زیر حساب شده و دقیق

^۲ Anime کارتونهای ژاپنی

^۳ یک کارتون انیمه معروف

^۴ Katana شمشیر ژاپنی

عمل کنید:

- ۱ در ۹۰ درصد مواقع، غذاهای سالم بخورید
 - ۲ مرتباً ورزش کنید – این می‌تواند ورزش‌های مفرح باشد؛ یا در یک باشگاه ثبت نام کنید و یا هر کار دیگری
 - ۳ خواب کافی داشته باشید – حداقل ۶ ساعت در شب
- اگر می‌خواهید یاد بگیرید چگونه این کارها را به درستی انجام دهید، می‌توانید سایت Nerd Fitness دوستم استیو کامب^۵ را چک کنید که در آن مقاله‌ای با نام A College Guide to Eating Healthy (راهنمای کالج برای سالم خوردن) در آدرس زیر وجود دارد:

<https://www.nerdfitness.com/blog/a-college-guide-to-eating-healthy/>

جلو بنشینید و حاضر باشید

تپ. تپ تپ تپ.

به سرعت از خواب لذت بخشم در آخر کلاس بیدار شدم و دیدم که یک دختر جذاب دارد به شانهام می‌زند. سریع مغزم گفت، "شاید می‌خواهد با من مسابقه کرش^۶ را بازی کند."

سپس او یک نوشابه رد بول به من داد.

حدس زدم که به او پول داده‌اند که نوشیدنی‌های انرژی‌زا را به دانشجویان خواب‌آلود درون کلاس بدهد، اما در هر صورت مسلم بود که در آن روز کرش را بازی نمی‌کنم. به علاوه از کلاس اقتصاد آن روز نیز چیزی یاد نگرفتم.

اندکی بعد در همان ترم، در کلاس آمار بودم. ردیف جلو و در فاصله تنها ۱/۵ متری کیف استاد نشسته بودم و حتی می‌توانستم یک بسته شکلات نیز درون

^۵ Steve Kamb

^۶ Crash Team Racing یک بازی کلاسیک چند نفره کامپیوتری

ده گام برای به دست آوردن بهترین نمرات ۱۷

آن ببینم که واقعا هوس انگیز بود.

نکته اصلی این است که آن روز ذهنم کاملا متمرکز مطالب ارائه شده بود (دلیل اصلی این بود که می دانستم اگر آن را متوجه نشوم کارم تمام است، زیرا آمار واقعا سخت بود). تنها دفترم، ماشین حساب و بازویم روی میزم بودند و وقتی کلاس تمام شد، پنج صفحه از دفترم با مفاهیم جدید آماری که واقعا یاد گرفته بودم، پر شده بودند. به علاوه، دیگر اصلا خوابم نگرفت حتی با این که کلاس ساعت ۸ صبح بود.

تفاوت را دیدید؟ آمار را به مراتب بهتر فهمیدم زیرا هیچ امید واهی برای پیدا کردن دوست جدید برای بازی کرش نداشتم.

شوخی کردم. وقتی جلو نشستم و واقعا تلاش کردم تا از نظر ذهنی نیز در کلاس حاضر باشم، توجه، تمرکز و سطح انرژی ام بیشتر شد. جالب است که چگونه تنها با انتخاب ردیف مناسب در کلاس، این همه تفاوت ایجاد می شود.

آماده سرکلاس بروید

احتمالا هر استادی که داشتید به شما گفته است که آماده به کلاس بیایید و بنابراین نمی توانم ادعا کنم که این توصیه جدید است.

اما می خواهم در اینجا بگویم که می توانید در انجام این کار بهتر شوید زیرا هیچ حد بالایی برای آن وجود ندارد. ما همه چیزهایی را فراموش می کنیم و وقتی چیزی را فراموش می کنیم، اصطلاحی را می سازیم که در برابر اراده ما برای توجه کامل سر کلاس و درگیر شدن ذهنی در درس، مقاومت می کند.

بنابراین برای اطمینان از داشتن بیشترین آمادگی سر کلاس، یک عادت تمام ذهنی برای خود بسازید. برای من، تمام ذهنی بودن به این معنی است که مرتبا چیزهایی را در زندگی در نظر بگیرم و اهداف و فعالیت هایم وابسته به آن باشند به خصوص آن هایی که برای آینده هستند.

برای مثال، یک دانشجو بدون تفکر تمام ذهنی، احتمالا تنها دو ماه قبل از این که

لازم به اسباب‌کشی باشد، به پیدا کردن یک آپارتمان جدید فکر می‌کند. اما یک دانشجو با تفکر تمام ذهنی، از یک سال جلوتر از صاحبخانه می‌پرسد که بهترین زمان برای شروع به جستجو چه زمانی است و جستجوی خود را چند ماه زودتر شروع می‌کند.

به صورت مشابه، یک دانشجو با تفکر تمام ذهنی، هر شب برای روز بعدش برنامه‌ریزی می‌کند و درباره چیزهایی که فردا باید درون کیفش باشد فکر می‌کند و اگر لپ‌تاپش را نیاز دارد، مطمئن می‌شود که شارژ است و آن را همان شب درون کیفش قرار می‌دهد و مطمئن می‌شود که هر فایلی که نیاز دارد را از کامپیوتر رومیزی‌اش به روی حساب دراپ‌باکس^۷ یا روی درایو فلش کپی کرده است تا فردا به راحتی بتواند از آن فایل استفاده کند.

اگر می‌بینید که تفکر تمام ذهنی کافی ندارید، راه حل آسان برای ایجاد آن، درست کردن یک به یادآورنده است مانند:

- ✓ یک یادداشت روی در یا روی میز
- ✓ ایجاد یک وظیفه^۸ که هر روز تکرار می‌شود در برنامه تقویم تلفن همراه یا کامپیوتر
- ✓ یک زنگ روی تلفن همراه

هر چیزی که عادت تمام ذهنی شما را فعال کند، به خوبی کار می‌کند و سرانجام به وضعیتی می‌رسید که به عنوان مثال قبل از تذکر تلفن همراه، خودتان آن را پیش‌بینی می‌کنید و در آخر اصلاً نیازی به آن به یاد آورنده نخواهید داشت.

کمک گرفتن از استاد به روش مناسب

در اکثر مواقع، استادان شما می‌خواهند به شما کمک کنند و بنابراین اگر در درک مطالبی در کلاس مشکل داشتید، باید از ساعت‌هایی که در دانشگاه هستید،

^۷ Dropbox یک سرویس اینترنتی برای ذخیره و اشتراک گذاری فایل.

^۸ Task

استفاده کنید.

نه تنها با این روش کمک مناسبی پیدا می کنید، بلکه یک رابطه درسی مناسب با استاد خود نیز ایجاد خواهید کرد که مزایای زیادی برای شما خواهد داشت.

با این حال وقتی بحث دریافت کمک آکادمیک می شود، بهتر است از تکنیک کورسون^۹ استفاده کنید. دیل کورسون، رئیس هشتم دانشگاه کورنل (مکان تولد سیستم جزوه برداری معروف کورنل)، زمانی متوجه شد که دانشجویان مهندسی و علوم پایه برای حل یک مسئله، باید یک ایده پیچیده را به صورت بخش به بخش جلو ببرند.

اما اگر نتوانستید با این روش جلو بروید باید به سراغ استادتان بروید. فراموش نکنید مهم ترین وظیفه یک استاد پاسخ دادن به سوالات دانشجویان است. اما باید به یک نکته توجه کنید که کورسون آن را به این صورت بیان می کند:

"قبل از این که از استاد کمک بگیرید، از خودتان این سوال را بپرسید: چه چیزی را نمی فهمم؟"

منظور او این است که هیچ وقت نباید کتاب را پیش استاد باز کنید و فقط بگویید که متوجه درس نمی شوید. بلکه باید خودتان برای درک آن مسئله تلاش کرده باشید و بتوانید تمام چیزی که تا آن نقطه را فهمیده اید به استادتان بگویید و حتی نشان دهید که بعد از آن را هم می فهمید و فقط گیر همان بخش هستید. با انجام این کار، به استادتان نشان داده اید که واقعا با مسئله کلنجار رفته اید که چند مزیت دارد:

✓ در زمان استاد صرفه جویی می شود و بهتر می تواند مشکل شما را متوجه شود.

✓ استاد شما می داند که واقعا برای حل مسئله ارزش قائل شده اید و بنابراین اثر بهتری روی او می گذارید.

- ✓ با نبرد واقعی روی مسئله، احتمال زیادی دارد که حتی قبل از سوال از استاد، خودتان بتوانید آن را حل کنید.
- ✓ وقتی به خوبی با مسئله کشتی گرفته باشید، با یک توضیح ساده استاد، به راحتی مسئله را درک می‌کنید و همیشه توی ذهن شما می‌ماند.
- یک برنامه‌نویس با نام مت رینگل^{۱۰} مدتی قبل پست وبلاگی درباره یک قانون نانوشته در شرکتش با نام قانون ۱۵ دقیقه نوشت. این خیلی شبیه به تکنیک کورسون است و جزئیات دقیق‌تری درباره چگونگی حل مشکل می‌دهد:
- ۱ وقتی گیر کردید، خود را مجبور کنید برای حداقل ۱۵ دقیقه مسئله را حل کنید.
 - ۲ در این ۱۵ دقیقه، هر فعالیت و کاری را انجام می‌دهید، آن را ثبت کنید و بدانید که اگر قرار باشد شخصی به شما کمک کند به این جزئیات نیاز خواهد داشت.
 - ۳ بعد از این زمان، اگر بازهم گیر کرده بودید، تقاضای کمک کنید. می‌توان این قانون را به شکل زیر خلاصه کرد:

ابتدا باید تلاش کنید؛ سپس سوال بپرسید.

اگر به سراغ مقالات در سایت College Info Geek (که سایت من است) بروید، متوجه می‌شوید که خیلی درباره اهمیت تبدیل شدن به یک کاشف راه حل صحبت کرده‌ام. از نظر من، این، همان شخصی است که می‌داند چگونه و کجا به دنبال پاسخ مسائل سخت جستجو کند و از همه مهم‌تر، تمایل به انجام این کار را دارد.

تبدیل شدن به یک کاشف راه حل، در دانشگاه کمک زیادی به شما می‌کند و عادت‌هایی درون شما ایجاد می‌کند که با استفاده از آن‌ها می‌توانید پاسخ‌هایی را پیدا کنید و مسائلی را حل نمایید که دیگران نمی‌توانند. با این حال، همیشه باید

ده گام برای به دست آوردن بهترین نمرات ۲۱ □

به تعادلی رسید و وقتی که انتخاب‌های دیگر جواب ندادند، باید به سراغ استاد خود بروید.

در کلاس، دست خود را روی کاغذ حرکت دهید

یکی از مواردی که در دانشگاه متوجه شدم، این بود: یک شرکت کننده فعال همیشه بهتر از یک مشاهده‌گر غیرفعال است.

ما به راحتی می‌توانیم چیزهایی را به خاطر بیاوریم که در آن‌ها مشارکت و فعالیت داشتیم اما نمی‌توانیم چیزهایی که فقط در معرض‌شان بودیم را خوب به خاطر بیاوریم. به خصوص در کلاس‌هایی که می‌توان در بحث شرکت کرد، فعال بودن به معنی صحبت کردن در بحث‌ها و جزوه برداشتن زیاد است.

اگر دوباره به بحث کلاس آمارم برگردیم، به دلیل این که همیشه جزوه بر می‌داشتم، توجه کاملی به استاد و مطالبی که می‌گفت داشتم. اما در کلاس‌های دیگرم خیلی متعهد به جزوه برداشتن نبودم و بنابراین اغلب توجه‌ام به چیزهایی بی‌اهمیت مانند خواندن داستان‌های قدیمی BOFH^{۱۱} پرت می‌شد.

تنها مشکل این است که وادار کردن خودتان به جزوه برداری می‌تواند سخت باشد و بنابراین باید آن را به یک عادت تبدیل کنید. برای این کار می‌توانید:

✓ یک گروه مطالعه درست کنید و مرتباً جزوه‌ها را با یکدیگر مقایسه و مبادله کنید.

✓ از یک ابزار زیر نظر گیری عادت مانند Habitica یا Lift استفاده کنید (جزئیات بیشتر درباره Habitica که ابزار انتخابی من است، در کتاب توضیح داده خواهد شد).

✓ اهمیتی که به جزوات خود می‌دهید را بیشتر کنید ...

... که من آن را در اولین کلاس سیستم‌های مدیریت اطلاعاتم انجام دادم.

^{۱۱} The Bastered Operator From Hell مجموعه داستان‌های اپراتور عوضی از جهنم.

می‌پرسید چگونه؟ به سادگی. آن‌ها را عمومی کردم!

اولین کلاس MIS^{۱۲} شامل یادگرفتن انواع اطلاعات و جزئیات درباره سیستم‌های اطلاعات بود و بنابراین با استفاده از روش *نمای کلی*، جزوات خودم را در Evernote ثبت کردم. سیستم Evernote امکانی دارد که به شما اجازه می‌دهد تا یک لینک برای یک یادداشت درست کنید و آن را در اختیار دیگران قرار دهید تا بتوانند به یادداشت شما دسترسی داشته باشند. من نیز از آن استفاده کردم و این لینک را در اتاق گفتگوی کلاس، Blackboard، ارسال کردم.

دقیقا نمی‌دانم که چند نفر از جزوه‌های من استفاده کردند، اما اصلا مهم نیست. در هر صورت این کار باعث شد تا اهمیت کلاس برای من به مراتب بیشتر از یک دانشجوی منفرد و جدا از دیگران باشد و در نتیجه این افزایش اهمیت، جزوات من به مراتب بهتر شدند.

لازم نیست شما تا این حد جلو بروید، اما بازهم باید راهی پیدا کنید تا عادت حرکت دادن دستتان در کلاس و نوشتن جزوه را در خود ایجاد نمایید.

بنابراین اکنون که به جزوه نوشتن در همه کلاس‌ها (حتی آن‌هایی که حس می‌کنید دوست ندارید جزوه بنویسید) متعهد شده‌اید، مرحله بعدی این است که چگونگی جزوه نوشتن را به شما یاد بدهم.